

مقدسی و کتاب احسن التقاسیم*

• نوشته: دکتر شاکر فخام

ترجمه: حسین علینقیان

رخ می‌نمایند....

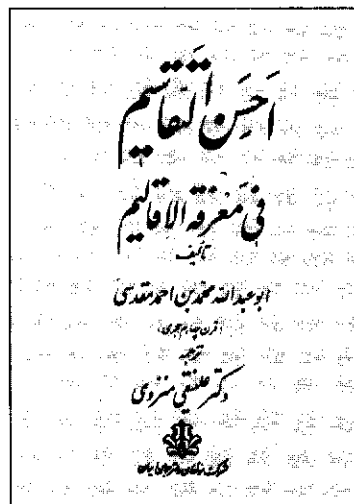
در این جا قصد برشماری تمامی این تحقیقات را ندارم. کافی است به کتاب تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری اثر استاد آدام متز اشاره کنیم که در آن شاهد کافی برای آن قله‌ای که قرن چهارم بدان رسید، یافت می‌شود.

هم چنین دکتر زکی مبارک در کتاب النثر الفنی فی القرن الرابع الهجری درباره آفاق شکوفایی و تطور و پیشرفتی که این نوع بیان و تعبیر در سایه این تمدن شکوهمند و زیبا بدان رسیده، سخن گفته است.

پس از این اشاره گذرا درباره جایگاه عالی و غرور آمیزی که تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری به خود اختصاص داد، به یکی از میادین این تمدن، یعنی میدان جغرافیا نظرمی افکنم و به تحقیقات واقف و گونه‌گونی که مؤلفین اسلامی در این موضوع انجام داده و بر میراث اسلامی خود افزودند، اشاره می‌کنم.

تألیفات، اهداف و مطالب این‌ها در این میدان، متنوع و متعدد است. افرادی چون همدانی (م. ۳۳۴ هـ.) که تألیفش صغه جزیره العرب در صدر کتب جغرافیای اقلیمی است؛ مسعودی (م. ۳۴۶) که آفاق را در نور دیده و به دانش‌های عصرش آگاهی پیدا کرد و دو کتاب مهم [تاریخی و] جغرافیایی مروج الذهب و التنبیه والاشراف را از خود برجای نهاد و سفرنامه ابن فضلان و سفرنامه ابی دلف را نیز در این میدان می‌یابیم....

در اوایل این قرن ابوزید بلخی (م. ۳۲۲) کتاب صور الاقالیم را تألیف کرد. و ابو عبدالله جیهانی، وزیر سامانیان، کتاب المسالک و



عصر مقدسی:

قرن چهارم هجری از باشکوه‌ترین و پربارترین قرون اسلامی به شمار می‌آید. قرنی که در آن بینش و عقلانیت اسلامی در نتیجه این دستاورد خروشان علمی و معرفتی، شکوفا شد. قرون گذشته، بستر و شرایط مناسب را برای این قرن به وجود آورد و موجب بروز و ظهور مباحث علمی و پژوهشی و ابتکارات و ابداعات و بررسی تمامی جوانب معرفتی به شیوه‌ای موفقیت‌آمیز و گسترده در این قرون گردید.

با نگاه به هر گوشه از دستاورد دانشمندان و ادبای قرن چهارم، صفحات درخشانی از تمدن تابناک و شکوفای اسلامی

► نقشه جهان، از ابوزید احمد بن سهل
مشهور به ابن بلخی (۲۲۵-۲۳۲ هـ. ق)



سیرت وی می‌شناسیم، به کتاب سیرت مشهورش احسن التقاسیم مربوط است. در دست نوشته برلین این کتاب آمده:^۲ او شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بناء شامی مقدسی، معروف به «بشاری» است.^۳ در معجم البلدان [یاقوت] او: ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر بناء مقدسی معرفی شده است.^۴ یاقوت به جهت

علاقه به نسبت (بشاری)، آن را بارها در کتابش تکرار کرده است.^۵ ابو عبدالله محمد به خاندانی منسوب است که بیت المقدس را برای سکنی برگزیده بودند و نسبت وی به (مقدسی) از همین جا نشأت می‌گیرد.^۶ نسبت او به شام بدان جهت است که منطقه‌ای بوده که در آن شهر بیت المقدس - که در آن جا نشو و نما یافت - قرار داشته است.^۷ هم چنین گهگاه به او فلسطینی - منسوب به فلسطین - نیز گفته‌اند. فلسطین، منطقه‌ای بوده که بیت المقدس را دربرداشته است.^۸ اقلیم شام چنان که مقدسی گفته، به شش منطقه تقسیم می‌شده: قنسرین، حمص، دمشق، اردن، فلسطین شراه.^۹

جدش ابوبکر بناء از ساکنان بیت المقدس بوده و در معماری، مهندسی و بنائی مهارت داشته، بنابراین به بناء ملقب شده است. مقدسی در کتابش آورده که احمد بن طولون (حکمران مصر در سال

الممالک را نگاشت.^{۱۰} پس از آن‌ها، ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری کتاب المسالک و الممالک را نوشت و ابوالقاسم محمد ابن حوقل که اصطخری را ملاقات کرده و از وی بهره علمی برده بود،^{۱۱} کتاب صوره الارض را به رشته تحریر درآورد.

از بارزترین نکات مورد توجه این مؤلفان، ترسیم نقشه سرزمین‌هایی است که در کتب خود از آن‌ها سخن گفته‌اند.

در این جامجالی برای یادکرد بیشتر این جغرافیدانان سلف قرن چهارم که راه مقدسی را هموار ساختند نیست. همان مقدسی که کتابش احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم نقطه اوج این سبک از تألیفات جغرافیایی است.

استاد کراچکوفسکی، در فصول ششم، هفتم، هشتم و بخشی از فصل پنجم کتاب معروف خود تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، در جهان اسلام سبک‌ها و شیوه‌های جغرافیدانان مسلمان در قرن چهارم هجری را به تفصیل بیان کرده است.^{۱۲}

۲- زندگانی مقدسی:

منابع عربی به شرح حال مقدسی نپرداخته‌اند. همه آن‌چه از

جد مادری مقدسی، ابوطیب شوا، اصلاً از شهر «بیار» یکی از شهرهای منطقه قومس از اقلیم دیلم بوده است

۲۵۴-۲۷۰ هـ. و کسی که شام را در سال ۲۶۴ هـ. به مصر افزود^{۱۲}، پس از این که به شهر عکا^{۱۳} رسید و خواست آن جا را به مانند شهر صور با دژی محصور کند، مهندسان و صنعت‌گران را جمع کرد و موضوع را با آن‌ها در میان گذاشت، آن‌ها همگی بر آن بودند که کسی جز ابوبکر بناء (جد مقدسی) توانایی بنای آن را ندارد. بنابراین وی را از بیت المقدس فرا خواند و کار را به او واگذار کرد. ابوبکر نیز عکا را به بهترین وجه دژبندی کرد و نامش را بر روی دیوار حک کرد و سپس این طولون هزار دینار و پاداش‌های دیگر به او داد^{۱۴}. همان سلطان بار دیگر او را مأمور نظارت در کار حفاری ساخت^{۱۵}.

مقدسی درباره عموی خود ابوعلی حسن بن ابوبکر بناء نیز با ما سخن گفته است و از گفته او برمی‌آید که او متضلع در علم و آگاهی و دانایی بوده و به سبب همراهی با پدرش ابوبکر، خیره شده بوده است. مقدسی از او روایت کرده و از او پرسش نموده و از پاسخش، اطمینان داشته است^{۱۶}.

اما جد مادری اش ابوطیب شوا، اصلاً از شهر بیار^{۱۷} یکی از شهرهای منطقه قومس^{۱۸} از اقلیم دیلم^{۱۹} بوده است.

او همراه هجده مرد از بلادش به بیت المقدس کوچیده و در آن جا وطن گزیده بود.^{۲۰} اهل بیار اغلب به بیت المقدس کوچ می‌کردند. مقدسی گفته است: «هر قومی را که در بیت المقدس می‌بینی بدان که او اهل آن جاست.»^{۲۱}

مقدسی درباره پیشه اهالی بیار در زمینه ساخت و ساز و تفوق آن‌ها بر دیگران در این شغل سخن گفته است...^{۲۲}

او درباره موقعیت جدش ابوالطیب شوا در شهر بیت المقدس و عدالت و ثروت او و درباره مهارت وی در ساخت و ساز - که پیشه اهل بیار بوده - چنین سخن گفته است: «ابوالطیب شوا را با وجود رفاه

و عدالت همیشگی، همواره در املاک خود مشغول ساختن کلبه یا بالابردن دیواری می‌بینی. فرزندان و نوادگان او نیز در کار مهندسی و معماری ساختمان بدون آموزش قبلی هستند.»^{۲۳}

مقدسی از دایی خود عبدالله بن شوا نیز یاد کرده است.^{۲۴}

در مورد زندگانی پدرش چیزی نمی‌دانیم. چنین می‌نماید که او ثروتمند و در رفاه و آسایش بوده است. مقدسی از نوکران او یاد کرده است.^{۲۵}

این خلاصه‌ای بود از آن چه در کتاب احسن التقاسیم درباره خاندان مقدسی آمده است.

ابوعبدالله بن محمد در حدود سال ۳۳۵ هـ. در بیت المقدس به دنیا آمد^{۲۶} و در خانواده‌ای فرهنگی و علمی و ثروتمند رشد کرد. مقدسی خود به این بی‌نیازی اشاره می‌کند: «... لانی کنت غنیا وسطی نفقه...». او گفته که در سفرهای خود بیش از ۱۰/۰۰۰ درهم هزینه کرده است.^{۲۷}

در کتاب احسن التقاسیم، عشق او به سرزمینش، آن هم در بالاترین درجه، هویداست.^{۲۸} با وجود این که شناخت جزئیات زندگانی و شیوه علم‌آموزی او بر ما روشن نیست، در عوض از خلال کتابش می‌توان دریافت که تحصیل را در بیت المقدس آغاز کرد و در علوم دین و فقه به مهارت و برجستگی رسید. در قرائات دستی داشت و به معارف عصر خود آگاه بود.

مقدسی از خودش می‌گوید: «از میان مذاهب، مذهب ابوحنیفه (ره) را به و صفی که در اقلیم عراق از آن می‌کنم، برگزیدم و از حروف، قرائت ابوعمران عبدالله بن عامر یحصبی را به جهت مطالبی که در [بخش] اقلیم اقور یاد خواهیم کرد.»^{۲۹}

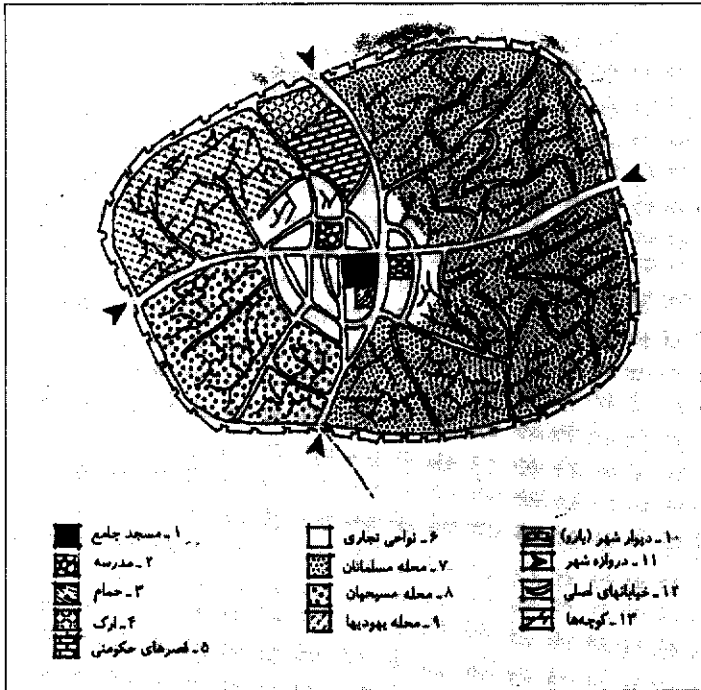
درباره کتابش و شیوه‌ای که در تنظیم آن به کار بسته چنین می‌گوید: «کتاب را بر اساس مکاتب اهل عراق تنظیم کردم، زیرا در آن جا آموزش دیده‌ام و همان را برگزیدم...»^{۳۰}.

مقدسی به اولین استادی که نزد او علم آموخت مباحثات ورزیده چنین می‌گوید:

«... من به شیوه قاضی ابوالحسین قزوینی مناظره می‌کنم، زیرا او اولین استادی است که نزد وی آموختم.»^{۳۱}

از عبارتی درمی‌یابیم که او در بیت المقدس بیست سال اقامت کرده است: «و مکثت انا عشرین سنه بیت المقدس انام فی البیت.»^{۳۲}

به نظر می‌رسد که او در خانواده‌اش به خوبی پرورش یافته است: ابوعلی حافظ در توصیف او از این حسن پرورش خبر داده است. ابوعلی حافظ [مروزی] به من گفت: تو مرا شیفته خود کردی؛ گفتم: چرا؟ گفت تو را مردی می‌بینم که سر براهی و عاشق احسان و



آن چه مقدسی را در تنظیم، ترتیب و حسن تألیف احسن التقاسیم یاری بخشید، این بود که وی کتاب را پس از تعمق و تأمل بسیار و عرضه فصول آن بر تعداد کثیری از علما و انجام مشورت و بهره‌مندی از آرای ایشان، از مسوده خارج و در اختیار مردم قرار داد

که در سال ۳۵۶ هـ. یعنی در ۲۱ سالگی، به حج بیت‌الله الحرام مشرف شده است.^{۳۷}

آیا می‌توان گفت که وی از این تاریخ، به ممالک اسلامی سفر کرده است؟ باید گفت که مرجحی برای پذیرش این نظر نداریم. اما در این شکی نیست که او بخشی از عمر مفید خود را به سیر و سیاحت در اکثر اقالیم اسلامی سپری کرد.

مقدسی در طول سفر طولانی خود، از ذکر تاریخ مشاهده اقلیم‌ها و سرزمین‌ها غافل مانده است. هم‌چنین تقریباً در مورد مسیر سفر و راه‌های انتقالی او چیزی نمی‌دانیم. پاره‌ای اوقات به روز و ماه اشاره کرده، ولی ذکری از سال آن نیاورده است. وی در توصیف کوه (صدیقا) که به کوه لبنان مرتبط است گفته: «سفر من به آن جا مصادف بود با جمعه نیمه شعبان».^{۳۸}

در توصیفات خود از شهرستان آورده: «... در بیرون شهر، پلی بزرگ است، هنگامی که من در آن جا بودم، ویران شده بود».^{۳۹} در مورد زلزله‌ای که در سال ۳۶۶ هـ. یا ۳۶۷ هـ. در سیراف قبل از ورودش به آن جا رخ داده بود، نیز همین‌گونه سخن گفته است.^{۴۰} در مورد شهر بیار گفته است که در آن جا به مدت چهار ماه اقامت داشته، ولی تاریخ را مشخص نکرده است.^{۴۱} هم‌چنین یک سال کامل را در یمن سپری کرده است.^{۴۲}

تاریخ در کتاب مقدسی به ندرت آمده است، از جمله آن‌که: او در سال ۳۵۶ هـ. به سفر حج رفت. بار دیگر نیز در سال‌های ۳۶۷ و ۳۷۷ به حج رفته است.^{۴۳} دیگر این‌که او در سال ۳۷۴ هـ. از شهر سرخسی عبور کرده است^{۴۴} و نیز کتابش را در سال ۳۷۵ هـ. در شهر شیراز به اتمام رسانیده است.^{۴۵}

تاریخ‌های محدود یاد شده، پاسخگوی نیاز کنونی ما نیست و

نیکوکاری و در فراگیری تمامی علوم همت‌داری؛ اکنون به بلادی (منظور یمن) آمده‌ای که بسیاری از مردمان را از جاده ورع و قناعت بازداشته است...».^{۳۳}

مقدسی از خانواده‌اش علوم معماری، مهندسی و نقاشی را به ارث برده بود. این موضوع به طور واضح در توصیفات دقیق معماری در کتابش نمایان شده است. او گاهی با معماران مناقشه کرده و تبادل آرا می‌کند: «... روزی نزد یکی از اساتید بنائی شیراز بودم. کارگران با کلنگ‌هایی نامناسب مشغول کار بودند. به آن‌ها گفتم: بهتر است [به جای کلنگ] تیشه به کار ببرد و سنگ‌ها را به شکل آجر [چهار گوشه] درآورد و از ساخت و سازهای فلسطین برای آن‌ها گفتم و مسائل دیگر مربوط به ساخت و بنا را مطرح کردم. استاد به من گفت: تو مصری هستی؟ گفتم: نه، فلسطینی‌ام؛ گفت: شنیده‌ام که شما سنگ‌ها را به مانند چوب، برش می‌دهید؟ گفتم: البته؛ گفت: سنگ‌های شما نرم و کارگران‌تان ظریف کارند.

من کارهایی شگفت‌آور، دقت‌ورزی‌ها و محکم‌کاری‌هایی از ایشان دیدم که در سرزمین‌های دیگر نیافته‌ام، مانند «راس سکر»^{۳۴} که در همین روزگار ساخته شد و تمامی بنایان (شام) و (اقور) از ساختن مانند آن عاجزند...».

مقدسی در ادامه، تفاوت بنای گرمابه‌ها در شام و فارس را بیان می‌دارد.^{۳۵}

در کتاب احسن التقاسیم دیدگاهی که شناخت عمیق و عالمانه مقدسی را در فن معماری بازگو کند، فراوان است. از نمونه‌های این شناخت و مهارت، توصیف دقیق و دلپسند او از بت‌های [ناحیه] «ملتان» است.^{۳۶}

اگرچه مقدسی، تاریخ ترک بیت‌المقدس را نیاورده، اما آگاهی

کتاب احسن التقاسیم صورت صادقی از چهره مملکت اسلامی در نیمه دوم قرن چهارم هجری است. در سخن مقدسی و در تمام صفحات کتاب، انصاف، صداقت و بی طرفی نمایان و چشمگیر است

فواید بسیاری را از ما دریغ داشته است.

سرگذشت مقدسی در اواخر حیاتش نامعلوم است. تاریخ وفات او نیز مشخص نیست. پاره‌ای محققان امروزی وفات او را احتمالاً سال ۳۸۰ هـ. قید کرده‌اند.^{۴۶}

بغدادی در هدیه العارفین وفات او را به اشتباه سال ۴۱۴ هـ. دانسته است.^{۴۷} علت این اشتباه قول حاجی خلیفه در کتاب کشف الظنون است مبنی بر این که وی نسخه‌ای از کتاب احسن التقاسیم را که در کتابت آن به سال ۴۱۴ بوده، دیده است.^{۴۸}

۲- کتاب احسن التقاسیم:

مقدسی از بارزترین جغرافیدانانی است که در قرن چهارم هجری درخشید. وی نسبت به کتاب‌هایی که در این دانش، تألیف یافته مطلع بود و کاستی‌ها و اشکالات موجود در آن‌ها را دریافته بود.^{۴۹} بنابراین تصمیم گرفت کتابی بر یک شیوه واحد بنگارد. اوساز و کار را فراهم و مسافرتش را آغاز کرد و سرزمین‌های اسلامی را درنوردید و مشاهدات و خاطرات خود را نوشت. اما در کتابش به شیوه سیاحان عمل نکرده، بلکه شیوه توصیفی جغرافیدانان را در پیش گرفته است. در کتاب درباره سختی‌های سفر خبر داده و در وصف کتاب می‌گوید: «... کتاب را پس از مسافرت به کشورها و زیارت اقلیم اسلامی و دیدار با دانشمندان و پادشاهان و مجالست با قاضیان و فراگیری فقه نزد فقها و ارتباط با ادبا، قراء و کاتبان حدیث و مرادیه با زاهدان و متصوفان و حضور در مجالس قصه‌گویان و راویان و تجارت و معاشرت در تمامی این کشورها، به اتمام رساندم...»^{۵۰} وی کتابش را احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم^{۵۱} نامیده است.

مقدسی در ترسیم طرح کتاب موضوعاتی را که لزوماً باید به آن‌ها بپردازد گنجانیده است. مثل: «ذکر اقلیم اسلامی با بیابان‌ها و دریاها، دریاچه‌ها و رودخانه‌های آن، توصیف و معرفی شهرهای مشهور و شهرک‌های آن و منازل و راه‌هایی که مورد استفاده قرار

می‌گیرند و نیز مواد عقاقیر و وسایل آن و معادن حمل و تجارت و اختلاف مردم در گفتارها، آواها، لهجه‌ها، رنگ‌ها، آیین‌ها، مکیال‌ها و اوزان‌ها و پول‌های خود...»^{۵۲}

سپس به قواعد سه‌گانه‌ای که کتاب را بر آن‌ها بنا نهاده اشاره می‌کند:

۱- اولین و محکم‌ترین و برترین قاعده: مشاهده، تعقل، شناخت و یادداشت نویسی؛

۲- پرسش خردمندان از مردمان ثقه؛

۳- مراجعه به کتاب‌هایی که در کتابخانه‌های پادشاهی در طی سفرش یافته است.^{۵۳}

مقدسی از درآمیختن با گروه‌های مختلف در نقل و انتقال به کشورها و نیز دست زدن به کارهای گوناگون، چاره‌ای نداشته است. در سفرنامه طولانی خود با سختی‌ها و ناملاایمات بسیاری روبرو شد و به او اسامی و القاب مختلف دادند. وی می‌گوید: «در این راه به سی و شش نام، خوانده شدم و مورد خطاب قرار گرفتم مثل: مقدسی، فلسطینی، مصری، مغربی، مقری، فقیه، صوفی و... و این به جهت ورود و وقوف در شهرها و اماکن مختلف بود. هر آن چه نصیب مسافران می‌شد به من هم رسید... لذا خواننده کتاب ما بداند که آن را بیهوده و غیرواقعی تصنیف و نگارش ننموده‌ام...»^{۵۴}

مقدسی نسبت به کتاب خود عنایت ویژه‌ای داشته و از قضا شرایطی برای وی فراهم آمد که کتاب در نوع خود منحصر و الگوی آیندگان گردید. از نقاط ویژه و مورد ملاحظه مقدسی به این موارد می‌توان اشاره کرد:

۱- نظام‌مندی و یکپارختی کتاب:

مقدسی به خط‌مشی ترسیمی خود در مقدمه پایبند بوده است. او جهان اسلام را به چهارده اقلیم تقسیم کرده، اقلیم عجم را از اقلیم عرب جدا نموده و خورهای هر اقلیم را تشریح کرده است. او از شهرها، ارگ‌ها و شهرک‌ها سخن گفته، خورها را بر شهرها مقدم داشته و در بیان و توضیحات کامل آن‌ها توجه کافی مبذول داشته است. مقدسی هم‌چنین نقشه‌های سرزمین‌ها را ترسیم کرده تا گزارش‌های او به ذهن‌ها نزدیک‌تر آیند. او راه‌ها را به رنگ قرمز؛ ماسه‌های طلایی را به رنگ زرد؛ دریا‌های شور را به رنگ سبز؛ رودهای معروف را به رنگ آبی و کوه‌های مشهور را به رنگ خاکی توصیف و رنگ‌آمیزی کرده است.

اقلیم عربی در تقسیم‌بندی او شش اقلیم است: جزیره العرب، عراق، اقور (جزیره فرات)، شام، مصر و مغرب. هم‌چنین علاوه بر این اقلیم، در مورد باده العرب نیز سخن گفته است. (این قسمت کتاب، صفحات ۶۷ تا ۲۵۶ چاپ لیدن سال ۱۹۰۶م. را دربر گرفته

► نقشه جهان، از الجرجانی
(حدود ۷۲۲ هـ. ق. ۱۳۲۲ میلادی)
از کتاب جامع الفنون

مقدسی در احسن التقاسیم به شیوه سیاحان عمل نکرده، بلکه شیوه توصیفی جغرافیدانان را در پیش گرفته است



تفصیلات کتاب را خلاصه کرده است. این بخش را جهت خوانندگانی که فرصت خواندن تمام کتاب را ندارند اختصاص داده است (صص ۴۷-۵۷) و آن را به بیان موضوعی درباره اقلیم عالم و مرکز قبله تکمیل نموده است. از آرای منجمان و ستاره‌شناسانی که نزد آن‌ها علم آموخته و یا مذاکره و مباحثه نموده، نیز سخن گفته است و اقوال ایشان را به دلیل نیاز به تعیین سمت قبله و شناخت جای اقلیم‌ها نسبت به آن نقل کرده است (صص ۵۸-۶۲).

پس از پایان این مقدمات ضروری، مقدسی کتاب را از بیان مملکت اسلامی (صص ۶۲-۶۶) آغاز کرده و به اقلیم و تقسیم‌بندی آن‌ها به چهارده اقلیم پرداخته است. در ادامه به اندازه‌های برید، فرسخ، مایل، ذراع، اصبع و حبه اشاره کرده (صص ۶۵-۶۶) و به بیان پاره‌ای اصطلاحات به کار برده خود در موضوع مسافت‌ها چون: او، و او، ثم و مرحله پرداخته است (ص ۱۰۶).

آن چه مقدسی را در تنظیم، ترتیب و حسن تألیف احسن التقاسیم یاری بخشید، این بود که وی کتاب را پس از تعمق و تأمل بسیار و عرضه فصول آن بر تعداد کثیری از علما و انجام مشورت و بهره‌مندی از آرای ایشان، از مسوده خارج و در اختیار مردم قرار داد.^{۵۴} نشانی این تأنی و دقت را در ارجاعات دقیقی که در حین مطالعه کتاب به دست می‌آید، می‌توان سراغ گرفت.

۲- از نتایج توجه و التزام مؤلف به خط مشی کتاب این است که وی مشاهدات و معاینات خود را به طرز دقیق توصیف / گزارش کرده و آن چه را در زمان خود او، شناخته شده بوده را عرضه داشته است و نه این که مطالب کتاب‌های پیشینیان و نوشته‌های انقضا

است.)

اقلیم عجم در تقسیم‌بندی او هشت اقلیم است: مشرق، دیلم، رهاب، جبال، خوزستان، فارس، کرمان و سند. در پایان آن، بادیه عجم را نیز یاد کرده است. (این قسمت، صفحات ۲۵۷ تا ۴۹۵ کتاب را دربر گرفته است).^{۵۵}

قبل از مباحث مربوط به اقلیم، مقدمه‌هایی ضروری برای تبیین معانی واژگانی که در کتابش مصطلح کرده، آورده است. مثل: «لانظیر له» یعنی مانند او مسلماً وجود ندارد. (ص ۶-۸). سپس به ذکر دریاها و رودخانه‌ها (صص ۱۰-۲۴) پرداخته و اسامی کشورها، خورها (= کوره‌ها) و قریه‌هایی که در لفظ، یکسان و در مکان، مختلف اند را آورده تا باعث اشتباه نشوند. (ص ۲۴-۳۰) هم‌چنین به شهرهای دارای دو تسمیه اشاره نموده، مثل مکه و بکه. (ص ۳۰) به دنبال آن، به برخی اسامی که کاربرد آن در میان مردمان کشورهای مختلف تفاوت دارند اشاره نموده است، مثل «لحام، جزار، قصاب»؛ «باقلی، فول»؛ «قدر، برمه»؛ «حصن، قلعه، قهندز» (صص ۳۰-۳۲). در ادامه از مذاهب و اهل ذمه سخن گفته (صص ۳۷-۴۳) و در مورد هریک از اقلیم‌ها به زبان و اصطلاح خودشان سخن گفته و به شیوه خود آن‌ها گفت و گو و مناظره کرده و ضرب‌المثل‌های آن‌ها را به کار برده تا زبان و رسوم و آداب کارگزاران آن‌ها شناخته شود. (ص ۳۲).

در ادامه به ویژگی‌های اقلیمی (صص ۳۷-۴۳) و نیز مذاهب و ذمیان (صص ۳۷-۴۳) و آن چه بازدید و مشاهده کرده پرداخته (صص ۴۳-۴۵) و از مکان‌هایی که در آن‌ها رفت و آمد داشته، سخن گفته است. (ص ۴۶) هم‌چنین بابی را ویژه کارگزاران گشوده و در آن

مقدسی در طول سفر طولانی خود، از ذکر تاریخ دقیق مشاهدات خود از مشاهده اقلیم‌ها و سرزمین‌ها غافل مانده است

▼ نقشه جهان، از ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ ه. ق.)



یافته را بازگو نماید: «بدان که آن چه بیان داشتیم در این زمان رایج است و حال آن که امور تغییر پذیرند». «من همواره شیوه‌ای را که امروز مردمان بر آنند، پیروی کرده‌ام».^{۵۷}

کتاب او صورت صادقی از چهره مملکت اسلامی در نیمه دوم قرن چهارم هجری است. مقدسی در کتابش علاوه بر توصیف شهرها و ذکر راه‌ها و مسافت‌ها و مسائل مربوط به جغرافیای توصیفی، به عادات، آداب اجتماعی، امور اقتصادی و فنون معماری نیز پرداخته و انواع مکیال‌ها و وزن‌ها و نقود را شمرده و از مذاهب و عقاید مختلف و نیز شیوه حکومت عادلانه و ظالمانه و عجائب هر اقلیم سخن گفته است.

در مورد التزام به رعایت خط مشی کتاب آورده: «این شرح در مورد هر اقلیمی تفاوت می‌کند، زیرا من آن چه را بدانم می‌نویسم و این دانشی نیست که با قیاس پی‌گیری شود، بلکه دانشی است که با دیدن و شنیدن، به دست می‌آید».^{۵۸}

به گفته خود او آن‌گاه که در مورد ویژگی‌ها و صفات مردمان هر منطقه سخن می‌گوید، جانب حق را گرفته و برای چاپلوسی از کسی تعریف نکرده و از روی خشم، مردمان را نکوهش ننموده است: «... هیچ کس از این که عیوب شهرش را گفته‌ام، دلزده نمی‌شود، زیرا هدفم از این کار، افترا زدن و چاپلوسی نبوده، بلکه ذکر آن‌ها بر پایه امانت و راستگویی و بیان صادق بدی‌ها و خوبی‌ها نهاده شده است.

اگر عیوب شهری را مخفی داشته‌ام، در حقیقت عیوب شهرم (بیت المقدس) را به جهت شرافت و حرمت الهی و انسانی آن پنهان کرده‌ام».^{۵۹}

کتاب با این دیدگاه واقع‌گرایانه که مقدسی خلق کرده، تبدیل به آینه‌ای برای حیات مردمان و ویژگی‌ها و رفتار و سلوک آن‌ها شده است.

مقدسی نسبت به تمامی آن چه در کتب جغرافیدانان و ستاره‌شناسان قبل از خود آمده، مطلع بوده است. افرادی چون ابوزید بلخی، ابن خردادبه (المسالك و الممالک)، جاحظ (کتاب الامصار)، ابو معشر منجم بلخی، ابو عبدالله جیهانی وزیر امیر خراسان (المسالك و الممالک)، ابن فقیه همدانی، ابن مرزبان کرخی، ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری، ابوالقاسم کعبی، قدامه بن جعفر کاتب (الخراج)، وهب (کتاب المبتدا) و بلاذری.

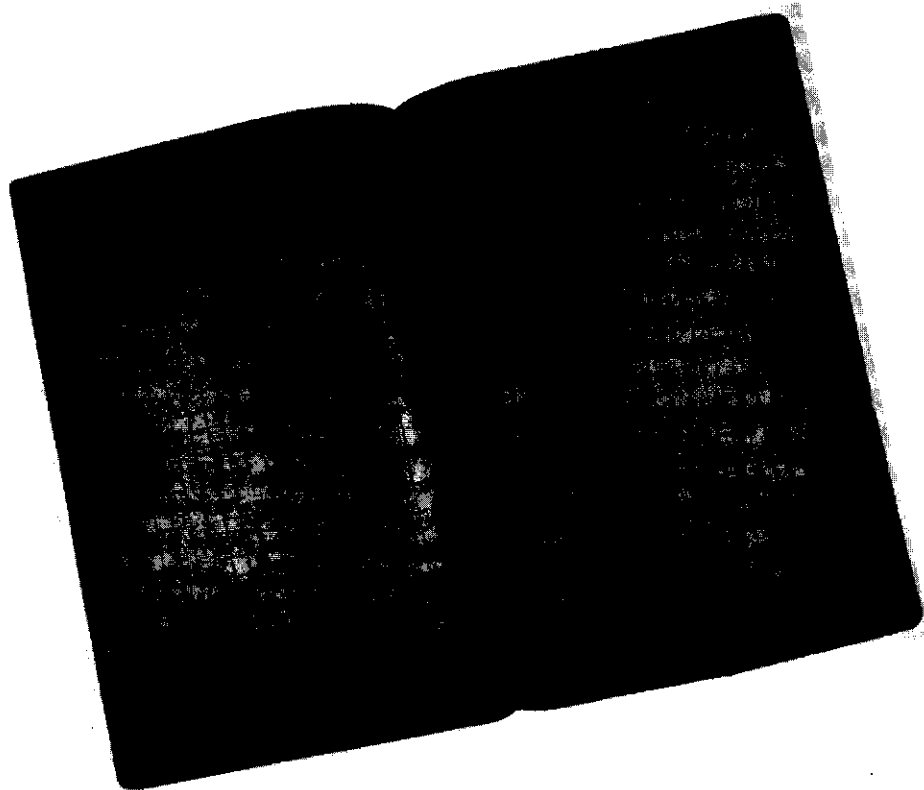
مقدسی همواره با علم و مطالعه سروکار داشت و به کتابخانه‌های مشهور چون کتابخانه عضدالدوله و صاحب و امیر خراسان و رئیس ابومحمد مکیالی دسترسی رفت و آمد داشت. او از آرا و اندیشه‌های دانشمندان و فرهیختگان بهره برد و کتب بسیاری را مطالعه کرده و لی به عناوین و نام مؤلفان آن‌ها اشاره ننموده است.

وسعت معلومات مقدسی را به هنگام مطالعه کتاب به خوبی درمی‌یابیم. او کتاب‌های مختلفی را که خارج از چارچوب حوزه محدودش بوده و آن‌ها را مطالعه نموده و از آن‌ها بهره‌مند شده برمی‌شمرد، هم‌چون کتاب اخبار المدینه، کتاب اخبار البصره، تاریخ الشمشاطی، کتاب الطلسمات، کتاب الدعائم، کتاب صنفه بعض مشایخ الکرامیه بنی‌سبأور و الزیج الاعظم.

او برای رسیدن به حقیقت مدام مضطرب و بی‌قرار است. نشان آن که وی بین روایات مختلف مقایسه و یکی را انتخاب می‌کرد. به عنوان مثال آن‌جا که جغرافیدانان در توصیف اقیانوس هند و دوشعبه آن روایات گوناگونی آورده‌اند، به انجام این موازنه و مقایسه دست زده است.^{۶۰}

مقدسی از خود و کار خود خرسند بوده است. او از اسلاف خود پیشی گرفت و مسافرت به ممالک بزرگ اسلامی برای او فراهم آمد: «طول و عرض بلاد اسلامی را در نور دیدم».^{۶۱}

مقدسی همواره از تکرار مسائلی که در کتاب‌های قبلی به وفور آمده، گریزان بوده است، زیرا می‌خواست کتابش کلیشه‌ای نشود:



► نقشه ایران از حمدالله
مستوفی (۶۸۰-۷۵۰ هـ. ق.)،
از کتاب نزهة القلوب

نخواهند کرد چه، خطا و نسیان شأن انسان است.»^{۶۴}
مقدسی به ترسیم نقشه‌ها و شکل‌ها توجه داشته است: «و
صورنا الاقالیم.» هر بار که گزارش اقلیمی پایان می‌یابد در ادامه
می‌گوید: «این تصویر آن اقلیم است. در نقشه آن رنگ‌های متفاوتی
به کار رفته تا اجزای آن از هم متمایز شوند: راه‌ها با رنگ سرخ،
شن زارها با رنگ زرد، دریا‌های شور با رنگ
سبز، نهرها با رنگ کبود و کوه‌ها با رنگ
خاکی مشخص شده‌اند تا گزارش به
ذهن‌ها نزدیک تر شود.»^{۶۵}
این نقشه‌ها در کتاب چاپ شده
احسن التقاسیم نیامده، اما میلر بخشی از
آن‌ها را در کتاب خود به نام نقشه‌های
عربی، منتشر ساخته است.^{۶۶}

۳- صداقت بارزترین ویژگی
کتاب مقدسی است. او طول و عرض بلاد اسلامی را درنوردید و به
اقصی نقاط رسید، ولی در گزارشات خود چیزی فراتر و افزون‌تر از
مشاهدات خود ننوشته است: «از دروغ و سرکشی دوری کردم و با
دلیل و برهان از طعن‌گویی‌ها جلوگیری کردم و مجاز و محال در آن‌ها
نیاوردم و فقط گفتار مردان معتمد را شنیدم.»^{۶۷}

سفر به اندلس برای مقدسی فراهم نشد و او به صراحت به آن
اشاره کرده است: «اگر وارد اندلس می‌شدم آن جا را خوربندی
می‌کردم، زیرا دارای شهرها، ولایات و نواحی زیاد است... و تعداد
اندکی شهرهای اسلامی به جهت عدم شناخت از آن‌ها، باقی ماند؛

«کوشیدم آن چه را از آن‌ها نوشته‌اند ننویسم و مطلبی را که یاد آور
شده‌اند جز در موارد ضروری، شرح ندهم تا مگر حقوق آن‌ها پایمال
نشود و از تألیفاتشان دزدی ننموده باشم»، «من آن چه در تألیفات
قبلی آن‌ها آمده را واگذار کردم و از افتخارات کتابم این است که از
آوردن گفته‌ها و نوشته‌های قبلی دوری کرده است»، «همانا
گفته‌های مؤلفین قبلی را نیاوردم و
آن چه را از آن‌ها نیاورده یا به اشتباه
آورده‌اند، بیان می‌دارم.»^{۶۲}

احساس یکه‌تاز بودن مقدسی
بسیار قوی است. او کتاب خود را همواره
با نگاهی فاخرانه و توأم با مباهات
می‌نگرد، زیرا آن کتاب دستاورد خود و
کتب پیشینیان وی است و این مطلب را
بارها تکرار کرده است. حتی در جایی

عنوان می‌دارد که او علمی جدید آورده: «علمی را هدف می‌گیرم که از
آن غفلت ورزیده‌اند. فن بی نظیری را ارائه می‌دهم که آن را به درستی
مطرح نکرده‌اند»، «اگر به کتاب ما لختی بنگری آن را در نظم،
بی‌همتا و در نگارش، یکدست می‌یابی»؛ «چرا که قبل از ما در
گزارش خورهای اقالیم هیچ‌کس کاری نکرده است.»^{۶۲}

اما این تلقی، مانع از تواضع و اظهار اشتباهات او نشده است،
چنان‌که می‌گوید: «من خود را از خطا و لغزش میرا نمی‌کنم.» یا در
جایی دیگر می‌گوید: «چه بسا در مورد ذکر برخی شهرها و
ویژگی‌های آن، غفلت کردم و این امری شایع است؛ و لذا مرا ملامت

جهانگردی‌های گسترده، برای مقدسی امکان روی آوردن به تسامح و تساهل دینی و خروج از بند تعصب مذهبی را فراهم آورد

مقدسی از نظرات و آرای فقهای حنفی استفاده کرده، لذا کتابش را با بهره‌گیری از قیاس، استحسان و عرف که از اصول فقه حنفی‌اند، تألیف و تدوین کرده است

«جز این که ما وارد اندلس نشدیم تا آن را خوربندی کنیم»؛ «جز این که ما توانایی خوربندی اندلس را نداریم و لذا اکلاً آن را مجمل گزاردم، ولی خوره قرطبه را بدان جهت که آگاهان از آن بسی مطلع بودند و برای ما نیز روشن و شناخته شده بود، توصیف کردیم».^{۶۸}

رعایت احتیاط مقدسی به حدی بود که گزارش‌های مربوط به اندلس را [به دلیل عدم زیارت آن بلاد]، نزد دانشمندان مورد اعتماد اندلس بررسی و کارشناسی کرد: «کتابم را به تعدادی از اساتید اندلس در مکه به سال ۳۷۷ هـ. عرضه داشتیم و آن‌ها چنین گفتند و سپس آن را به برخی دیگر عرضه کردم و آن‌ها نیز چنان گفتند...»^{۶۹}

«برخی اندلسی‌ها نیز به من گفته‌اند که آن جا دارای سیزده روستا است».^{۷۰}

مقدسی هنگامی که به اقلیم سندر رسید و از مرزهای آن گذشت و تمامی سواحل آن را دید و پس از دیدن و شنیدن، شانس یاری او نشد که به مانند دیگر اقلیم توصیف شده، نسبت به آن جا احاطه و آگاهی پیدا کند. وی پس از ذکر سخن درباره مشاهدات و شنیده‌های خود از این ناحیه می‌گوید: «با وجود این، هیچ تضمینی در این که توصیفات من درباره این محل به مانند دیگر نواحی باشد نمی‌دهم و جز شهرهای آن جای دیگری را گزارش نمی‌کنم و آن جا را شرح مفصل نمی‌دهم. بنا بر گفتار پیامبر (ص) که فرمود: کفی بالمرء کذباً ان يحدث بكل ما سمع، یعنی: دروغگویی مرد همین بس که هر چه بشوند بگوید».^{۷۱}

۴- آن چه کتاب مقدسی را متمایز [از دیگر آثار مشابه] ساخته، با توجه به معلومات و اطلاعات وسیع و همه جانبه او، این است که مؤلف آن فقهی است که بر علمش تسلط دارد. او از نظرات و آرای فقهای حنفی استفاده کرده، لذا کتابش را با بهره‌گیری از قیاس، استحسان و عرف که از اصول فقه حنفی‌اند، تألیف و تدوین کرده است. هم چنین به شیوه فقها و مذاهب و گفت‌وگوهای آن‌ها، مناقشه و مجادله کرده است.^{۷۲}

وی نسبت به تألیف کتاب، افتخار ورزیده و در وصف آن می‌گوید: «کتاب را به شیوه‌های فقهی تدوین نمودم تا اگر دانشمندان در آن بنگرند، آن را اراج نهند».^{۷۳}

نکته دیگر آن که مقدسی شمایی از محافل علمی و نشست‌ها و گفتگوهای علمی دانشمندان را ترسیم کرده و از تعلیم و تعلم که شیوه طلاب آن روزگاران بوده، سرباز زده است. کتاب مقدسی از این ناحیه مورد بررسی کافی قرار نگرفته و جا دارد که بخشی از محققان در این موضوع پژوهش ویژه‌ای انجام دهند.

ویژگی فقهی و دینی مقدسی، موجب گردیده که وی به توصیف

امور و اشیایی پردازد که دیگران از آن ناتوان‌اند. او فقهی متمایز در بین جغرافیدانان بوده است. تخصص فقهی وی، نشانه‌ها و ویژگی‌های بارزی را در کتاب برجای نهاده که اگر فاقد آن تخصص بود، به آن‌ها نمی‌پرداخت. از جمله این امور:

توجه ویژه او را به علم قرائات و مذاهب؛ دیدار و نشست با دانشمندان و اساتید و روایت کردن از آن‌ها با حدیث مسند به رسول خدا (ص)، تفسیر آیات قرآنی، آوردن روایاتی در فضایل دریاها، رودها، بلاد و ملت‌ها، بیان مجادلات فقهی و دینی و توجه ویژه به بیان مکیال‌ها و میزان‌ها به جهت نیاز فقها به این امور و امثال این موارد که در کتاب به آن‌ها برمی‌خوریم.^{۷۴}

اما گویا مقدسی نسبت به علمی که ضرورتاً باید به آن‌ها آشنایی می‌داشت، آگاهی و اطلاع نداشته است. مثل علم نجوم که وقتی او در این مباحث به آرای منجمان پناه بسته به صواب نزدیک شده، والا در معرض خطا و اشتباه قرار گرفته است. مانند آن جا که پدیده جزرو مد را تعیین کرده و از صواب به دور مانده است.^{۷۵}

پاره‌ای از مناقشات علمی نیز به شیوه و روش فقهی آمده که با طبیعت و مقتضای علم جغرافیا و دست‌آوردهای آن تناسب نداشته است.^{۷۶}

۵- این جهان‌نگردی‌های گسترده، برای مقدسی امکان روی آوردن به تسامح و تساهل دینی و خروج از بند تعصب مذهبی را فراهم آورد. او در این زمینه دیدگاهی به مقتضای همین رویکرد دارد و آن این که در مورد امت پیامبر خدا (ص) سخنی نگوید و مادام که راهی یافت شود، آن‌ها را به گمراهی خطاب نکند.^{۷۷}

در سخن مقدسی و در تمام صفحات کتاب، انصاف، صداقت و بی‌طرفی نمایان و چشمگیر است: «ولکن هذا علم موضوع علی الامانه و الصدق».^{۷۸} او از عدل سامانیان و ضعف عباسیان و نیروی فاطمیان و ایجاد امنیت توسط آن‌ها و نیز از ظلم بویهیان دیلمی سخن گفته است.^{۷۹}

عرضه داشته است.^{۸۴}

یاقوت حموی از مقدسی بسیار نقل کرده است. آمار نقل‌های صریح وی از مقدسی ۵۵ مورد است. یاقوت گفته که این نقل‌ها براساس نسخه‌ای که مقدسی آن را به سال ۳۷۸ هـ. تمام کرده، بوده است.^{۸۵}

مقدسی می‌گوید که مؤلفین پیشین دودسته بوده‌اند: دسته‌ای از آن‌ها مجلس تدریسی برای خود تدارک می‌دیده، به مدت زیادی به تدریس می‌پرداخته‌اند و برای مشهور شدن به تربیت شاگردان توجه زیادی داشته‌اند و زمانی که به مراد خود می‌رسیدند، تألیف را شروع می‌کردند و لذا تألیف آن‌ها مورد قبول واقع می‌شد.

دسته دیگر کتاب خود را به پادشاهی بزرگ یا فردی معتبر و شریف منسوب می‌ساختند تا تألیف آن‌ها مطرح و ارزشمند شود. بنا به گفته مقدسی، او شیوه دوم را برگزید و درباره پادشاهان، امرا، سادات و وزرا تدبیر کرد و برای انتخاب کتاب، سید ابوالحسن علی بن حسن را شایسته‌ترین آن‌ها یافت.

مقدسی در ادامه گفت که او کتاب را به صورت عام قرار داده و سید ابوالحسن را به طور ویژه به کتابی به نام المسافات و الولات منسوب کرده است، زیرا بزرگان به کلام کوتاه و رسا علاقه دارند.^{۸۶} مقدسی دوباره به این پیشکش خود در قصیده و داعیه کتاب اشاره کرده است:

فدونک حکمه کالدر حسنا

ابا حسن وزیر ابن الریفیع^{۸۷}

کتاب احسن التقاسیم در سال ۱۸۷۷ م. در شهر لیدن هلند [به اهتمام دخویه] بر اساس دو نسخه خطی تصحیح شده است: نسخه برلین و نسخه قسطنطنیه. سپس چاپ منقح آن در سال ۱۹۰۶ م. به انجام رسید.^{۸۸}

دو نسخه در مورد پاره‌ای نصوص باهم اختلاف دارند و مصحح در حاشیه، اختلافات آن‌ها را بیان کرده است.

مقدسی توانسته است تألیف مهم و منحصر به فرد و دقیقی فراهم آورد. او به خط مشی کتاب کاملاً پای بند مانده و مشاهدات و شنیده‌ها را به ثبت رسانیده است. کتاب او آینه‌ای از حیات اجتماعی و اقتصادی آن زمان است که جامعه علمی و محافل دانش در آن روزگار را به تصویر کشیده است. این‌ها همه موجب شده که کتاب او در بین نوشته‌های جغرافیدانان قرن چهارم، منزلتی عالی یابد. گای لسترنج در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی می‌گوید: «مقدسی کتاب جغرافیای خود را به شیوه‌ای خاص و متفاوت با دیگر نویسندگان قبلی نوشته است، زیرا کتاب براساس مشاهدات شخصی او از اقالیم مختلف نگارش یافته است. شاید این

اشپرنگر، مقدسی را بزرگترین جغرافیدان تاریخ انسانی علی‌الاطلاق برمی‌شمارد و معتقد است که پیش از او هیچ‌کس نکته بین و سفر کرده نبوده و مطالب خویش را مانند او در قالبی منظم نریخته است

مقدسی به اسلوب نگارش خود توجه داشته و به سجع تمایل نشان داده و آن را اثبات و توجیه نموده و از آن دفاع کرده است. سجع در جاهای مختلف کتاب و به ویژه در مقدمه‌های سخن در مورد اقلیم‌ها و ویژگی‌ها و صفات آن‌ها به چشم می‌آید. او از سجع به ظرافت بهره برده و می‌گوید: «سجع را در جاهای مختلف به کاربستم تا مردم عامه از آن لذت ببرند، زیرا ادبا نثر را به نظم ترجیح می‌دهند و عوام، قافیه و سجع را می‌پسندند».^{۸۹}

اما در عین این که مقدسی حسن و وضوح بیان داشته، در بسیاری از سجع‌های خود موفق نبوده و عبارات او گاه به پیچیدگی و گاه به رکاکت آن انجامیده است. از این دست عبارت مسجع ناخوشایند در گزارشات مربوط به شهر بیار و بردعه و اقلیم جبال و شهر شیراز و اقلیم کرمان و شهر منوقان آمده است که ضعف و تصنع و تکلف آن‌ها آشکار است...^{۹۰}

تاریخ نگارش کتاب احسن التقاسیم:

مقدسی به ما گفته است که قسمتی از فصول کتاب را بر دانشمندان و فضلا عرضه داشته و از آن‌ها مشورت خواسته و با آرای ایشان آشنا شده است. و آن‌گاه که از کیفیت مطلوب آن اطمینان حاصل نموده، کتاب را در شهر شیراز از اقلیم فارس به تمام رسانیده است.^{۹۱} او می‌گوید: «بدان که من با این همه اسناد و شروط با هم آن را آشکار نکردم، تا به چهل سالگی رسیدم و همه اقلیم را گشتم و به حضور دانشیان و متدینین و بزرگان و سلاطین رسیدم و تکمیل را در مرکز فارس در زمان دولت امیرالمؤمنین ابوبکر عبدالکریم الطائع لله و در مغرب، دولت ابومنصور نزار العزیز بالله امیرالمؤمنین به سال ۳۷۵ و ایام امیر سید ابوالقاسم نوح بن منصور مولی امیرالمؤمنین بود».^{۹۲}

مقدسی به کتابش و کار تنقیح و تدقیق آن افتخار کرده و گفته است که کتاب را در مکه به سال ۳۷۷ هـ. برد و استاد از اساتید اندلس

کتاب بزرگترین و اصیل ترین اثر در بین تألیفات جغرافیدانان عرب به شمار آید. توصیفات او از مکان‌ها، عادات، ویژگی‌ها، تجارت‌ها، صنایع و تلخیص ویژگی‌های هر اقلیم، کتاب او را بهترین کتاب در میان سلسله تألیفات مسلمانان در قرون وسطی مطرح ساخته است».^{۸۹}

اشپرنگر، مقدسی را بزرگترین جغرافیدان تاریخ انسانی علی‌الاطلاق برمی‌شمارد و معتقد است که پیش از او هیچ کس نکته‌بین و سفرکرده نبوده و مطالب خویش را مانند او در قالبی منظم نریخته است.^{۹۰}

پی‌نوشت‌ها:

* این مقاله ترجمه‌ای است از:

شاکر الفخام، «المقدسی (ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر البناء / نحو ۳۳۵ - ۳۸۰هـ)»، مجله مجمع اللغة العربیه بالقاهره، المجلد ۷۳، جمادی الاخر ۱۴۱۴ هـ. / نوامبر ۱۹۹۳ م.، صص ۱۰۸-۸۷. لازم به ذکر است که پیش از این در شماره ۷۴ کتاب ماه تاریخ و جغرافیه (س ۷، ش ۲) آذر ۸۲ نیز مقاله راجع به احسن التقاسیم به چاپ رسیده است.

۱- استاد کراچکوفسکی کتاب جیهانی را در روش، از کتب معروف مسالک و ممالک متفاوت دانسته است. رک: تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه عربی (۱/۲۲۰)، [ترجمه فارسی (ص ۱۱۷۶)].

۲- صوره الارض اثر ابن حوقل: ۲۸۴ (پایان اقلیم‌سند). ابن حوقل سفر خود را از مدینه الاسلام در ماه رمضان ۳۳۱ هـ آغاز کرده بود. (صوره الارض: ۱۰).

۳- تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی (ترجمه عربی: ۱۵۵-۲۴۴)؛ نیز رک: جغرافیه دارالاسلام البشریه، اندریه میکیل، (ترجمه عربی ۱/ ق ۲: ۷۵-۱۳۲).

۴- دایره المعارف اسلامی (متن فرانسه / طبع ۱) ۳: ۷۵۷.

۵- صفحه عنوان کتاب احسن التقاسیم مطبوع در شهر لیدن ۱۹۰۶ م.

۶- معجم البلدان یاقوت حموی: (سامان، سامراء، سند، صفانیان، عکه، عمان، عین سلوان، کرمان، مقدس، نسا).

۷- همان (۱: ۷) ارجان، اردشیر خره، بدخشان، بصره، بنکت، بیت لحم، خانقین، ختل، خوارزم، دارابجرد، دستجرد، دسکره، دشت بارین، دهستان، راس عین، رقه، رماله، رم، سابور، ساهره، سغد، سلوان، سیرجان، شاش، شهرستان، شیراز، طور زیتا، عرفات،

عمواس، غرستان، فلسطین، فیروز آباد، قاین، قفس، قوهستان، کازرون، کعبه، مقام، مقدونیه، منی؛ نیز رک: معجم الادبیا: ۳: ۸۶.

۸- احسن التقاسیم: ۱: ۳۳، ۲۰۷، ۱۸۸، ۱۹۸.

۹- همان: ۳۲، ۴۳، ۱۲۷، ۱۴۳.

۱۰- همان: ۴۳: ۱۵۴، ۴۴۰.

۱۱- همان: ۱۵۴.

۱۲- وفيات الاعیان ۱: ۱۷۳-۱۷۴؛ تاریخ ابن اثیر ۷: ۷۳، ۱۲۵-

۱۲۶، ۱۶۴؛ مختصر تاریخ دمشق ابن منظور ۳: ۱۲۲-۱۲۶؛ الوافی

بالوفیات صفی ۶: ۴۳۰-۴۳۲؛ خطط مقریزی ۱: ۳۱۴-۳۱۵؛

المقفی اثر مقریزی ۱: ۴۱۷-۴۵۲.

۱۳- یاقوت حموی در معجم البلدان: (عکه) نوشته است.

۱۴- احسن التقاسیم: ۱۶۲-۱۶۳؛ معجم البلدان (عکه)؛ ابن اثیر

در سخن خود درباره مناقب احمد بن طولون گفته است: «او همان

است که قلعه یافا را بنا کرد حال آن که شهر بدون قلعه بود» (الکامل

۷: ۱۶۴)؛ بلوی نیز در کتاب سیره احمد بن طولون ص ۱۸۴ همین

نکته را بیان داشته است.

۱۵- احسن التقاسیم: ۴۶.

۱۶- همان: ۴۶، ۱۵۹، ۱۶۵.

۱۷- همان: ۲۵۶، ۲۵۷؛ معجم البلدان (بیار).

۱۸- همان: ۳۵۳، ۳۵۴؛ معجم البلدان (قومس).

۱۹- همان: ۳۵۳.

۲۰- همان: ۳۵۷.

۲۱- همان: ۳۵۷.

۲۲- همان: ۳۶۷، ۳۷۱.

۲۳- همان: ۳۶۷.

۲۴- همان: ۱۸۸.

۲۵- همان: ۴۴۰.

۲۶- همان: ۸-۹.

۲۷- همان: ۴۵، ۴۱۵.

۲۸- همان: ۱۶۵-۲۰۷، ۱۶۷؛ معجم البلدان (المقدس).

۲۹- همان: ۳۹، ۱۲۷-۱۲۸، ۱۴۲-۱۴۴.

۳۰- همان: ۳۲.

۳۱- همان: ۳۲، ۷۶، ۱۲۳.

۳۲- همان: ۹۷-۹۸.

۳۳- همان: ۹۷-۹۸.

۳۴- معجم البلدان (سکر فنا خسره خره).

۳۵- احسن التقاسیم: ۴۴۰.

۳۶- همان: ۴۸۳-۴۸۴.

- ۳۷ - همان: ۱۰۱؛ مقدسی گفته که او به سال ۳۶۷ هـ. و سال ۳۷۷ هـ. به مکه بازگشته است (همان: ۱۰۱، ۲۲۳ حاشیه).
- ۳۸ - همان: ۱۸۸، ۱۸۹ (حاشیه).
- ۳۹ - همان: ۴۳۳.
- ۴۰ - همان: ۴۲۶.
- ۴۱ - همان: ۳۷۰.
- ۴۲ - همان: ۸۸.
- ۴۳ - همان: ۱۰۱، ۲۲۳ (حاشیه).
- ۴۴ - همان: ۶۵.
- ۴۵ - همان: ۹.
- ۴۶ - جغرافیه دارالاسلام البشریه از اندریه مایکل (ترجمه عربی) ۱/۱: ۶۰؛ اعلام زرکلی ۶: ۲۰۳؛ دیگران معتقدند که وفات او در سال ۳۹۰ هـ. رخ داده است: تاریخ الادب الجغرافی ۱: ۲۱۰؛ دائرة المعارف الاسلامیه ۳: ۷۵۷.
- ۴۷ - هدیه العارفين: ۶۳.
- ۴۸ - كشف الظنون ۱: ۱۶-۱۷.
- ۴۹ - احسن التقاسیم: ۳-۶ با حواشی ۲۴۱.
- ۵۰ - همان: ۲-۳.
- ۵۱ - یاقوت حموی کتاب را یک بار: کتاب البلدان نامیده و در مورد مؤلف آن در جای دیگر گفته: له کتاب فی اخبار بلدان الاسلام، (معجم الادب ۳: ۸۶؛ معجم البلدان: مقدس).
- ۵۲ - احسن التقاسیم: ۱-۲.
- ۵۳ - همان: ۳، ۸، ۱۰-۱۱، ۱۵، ۴۳، ۲۱۲، ۴۷۷؛ نیز رک: تاریخ الفلسفه فی الاسلام از دیون پورت (ترجمه عربی: ۸۲).
- ۵۴ - احسن التقاسیم: ۴۳-۴۵، ۴۱۵.
- ۵۵ - همان: ۹-۱۰، ۲۸۹-۲۹۰.
- ۵۶ - همان: ۸-۹، ۴۳ (حاشیه)، ۲۲۳ (حاشیه)، ۲۳۵-۲۳۶، ۲۹۰.
- ۵۷ - همان: ۶۵، ۱۱۴، ۱۱۵-۱۱۶.
- ۵۸ - همان: ۶.
- ۵۹ - همان: ۶۵ (حاشیه).
- ۶۰ - همان: ۱۰-۱۲.
- ۶۱ - همان: ۱۱۶.
- ۶۲ - همان: ۵-۶، ۲۴۱ متن و حاشیه.
- ۶۳ - همان: ۳، ۱، (حاشیه)، ۲۴۱، ۲۷۰.
- ۶۴ - همان: ۶، ۶۵ (حاشیه).
- ۶۵ - همان: ۹.
- ۶۶ - دایره المعارف الاسلامیه (ط ۱) ۳: ۷۵۷.
- ۶۷ - احسن التقاسیم: ۳.
- ۶۸ - همان: ۵۷، ۲۱۶، ۲۲۵.
- ۶۹ - همان: ۲۲۳ (حاشیه)، ۲۳۵-۲۳۶.
- ۷۰ - همان: ۲۳۳.
- ۷۱ - همان: ۴۷۵ (متن و حاشیه).
- ۷۲ - همان: ۳۲، ۳۹-۴۳، ۶۷-۶۸، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۵۶، ۲۹۹، ۳۰۷ (حاشیه)، ۳۱۳ (متن و حاشیه)، ۳۸۶-۳۸۸.
- ۷۳ - همان: ۸.
- ۷۴ - همان: ۱۵-۱۶، ۱۹-۳۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۲۸، ۳۷۶.
- ۷۵ - همان: ۱۳، ۱۲۴.
- ۷۶ - همان: ۶۷، ۱۵۶، ۲۶۹-۲۷۱، ۲۸۶-۳۸۸ (اصفهان).
- ۷۷ - همان: ۳۶۵-۳۶۷.
- ۷۸ - همان: ۶۵ (حاشیه).
- ۷۹ - همان: ۴۴۸-۴۴۹، ۴۵۱ (حاشیه)، ۴۷۲-۴۷۳.
- ۸۰ - همان: ۵ (حاشیه)، ۸.
- ۸۱ - همان: ۳۵۶-۳۷۵، ۳۷۶-۳۷۷ (حاشیه)، ۳۸۴، ۴۲۹، ۴۶۰، ۴۵۹.
- ۸۲ - همان: ۵ حاشیه، ۸.
- ۸۳ - همان: ۸-۹؛ فقره آخر در حاشیه نسخه قسطنطنیه آمده است. الطائع اللّه، سال ۳۶۳-۳۸۱ خلافت عباسی را به دست گرفت و عزیز بالله در سال های ۳۵۶-۳۸۶ خلافت فاطمیان را و ابوالقاسم نوح بن منصور سامانی در سال های ۳۶۶-۳۸۷ هـ. به خلافت نشسته بودند. (رک: احسن التقاسیم: ۱۳۲، ۳۳۸).
- ۸۴ - همان: ۲۲۳ (حاشیه)، برگرفته از نسخه قسطنطنیه؛ رک: ۲۳۵-۲۳۶.
- ۸۵ - معجم البلدان (بصره).
- ۸۶ - احسن التقاسیم: ۶۶ حاشیه، ۸ (حاشیه)، ۳۶۶ (حاشیه).
- ۸۷ - همان: ۴۹۸.
- ۸۸ - دایره المعارف الاسلامیه ۳: ۷۵۷ (ط ۱ فرانسه)؛ تاریخ الادب الجغرافی العربی نوشته کراچکوفسکی ۱: ۲۰۹-۲۱۰؛ معجم المطبوعات العربیه و المعربه از سرکیس ۲، ۱۷۷۳.
- ۸۹ - بلدان الخلفاه الشرقیه: ۲۸
- ۹۰ - تاریخ الادب الجغرافی العربی ۱: ۲۰۸-۲۰۹.